درس ششم

«آرش کمانگیر»



آموختنی‌ها

۱ آشنایی با پهلوانان ایرانی و روحیه‌ی دفاع از میهن

۲ شناخت و کاربرد انواع جمله

۳ آشنایی با نشانه‌های ربط «و»

۴ آشنایی با حرف ندا و منادا

جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

نبرد: جنگ

اندوهگین: غمگین

بردباری: شکیبایی، صبر

تصمیم گرفتن: قصد کردن

خاور: شرق

تحقیر: خوار کردن، تحقیر کردن

سامان دادن: منظم کردن

ماهر: زبردست

رشید: رایست، قامت، دلاور

تناور: تنومند، بزرگ جثه

نقص: عیب

تیزبال: سریع

زمزمه: آوازی که با آهستگی و زیر لب خوانده می‌شود

سرپنجه: نیرو

پولادین: بسیار محکم

واپسین: آخرین، پایانی

توران: سرزمین ایرانی در منطقه آسیای میانه

پهلوان: دلیر

پایداری: ایستادگی، مقاومت

استوار: پابرجا، پایدار، محکم

چاره: راه حل، تدبیر

سرانجام: عاقبت و پایان کار

قامت: قد و بالا، اندازه

گُهر: گوهر، مروارید

چست: چالاک، چابک

نهانی: پنهانی

گریزان: شتابان، فراری

جاودانی: همیشه، پایا

بامداد: صبح زود، اول صبح

فرود آید: پایین بیاید

بی‌تابی: بی‌قراری، ناآرامی

کمان: ابزار تیر اندازی

نگریست: نگاه کرد

دیرین: قدیمی

وزنده: در حال وزیدن

غرّان: در حال غریدن

وارونه: برعکس

خرم: شاد، خوشحال

کلمات متضاد

پیروزی ≠ شکست

سختی ≠ آسانی

دیوانه ≠ عاقل

خاور ≠ باختر

بی‌جان ≠ جاندار

شیرین ≠ تلخ

نامید ≠ امیدوار

آشتی ≠ قهر

تیره ≠ روشن

تنگ ≠ گشاد

نازک ≠ ضخیم

کلمات هم خانواده

تحقیر، حقیر، حقارت

توانا، توانایی، توان، توانمند

ماهر، مهارت

رشید، رشادت

مشکل، اِشکال

نقص، ناقص

ارش کمانگیر

نبرد طولانی و خسته‌کننده شده بود و همه نگران بودند. سرانجام دو سپاه تصمیم می‌گیرند که آشتی کنند. تورانیان پیشنهاد می‌کنند که پهلوانی ایرانی تیری به سوی خاور پرتاب کند و هرجا که تیر فرود آمد آنجا مرز ایران و توران باشد. آرش، کماندار ایرانی، این تیرانداز ماهر ایرانی خود را برای پرتاب تیر آماده کرد و با قدم‌های محکم از کوه بالا رفت دم قله رسید. در آن‌جا دست به دعا برداشت و زمزمه کرد «ای خدای آسمان‌ها! ای آفریدگار کوه‌ها و دریاها! مرا یاری کن تا سرزمین ایران را از دست دشمنان رها کنم.

سپس با تمام توان کمان را کشید و تیر همچون پرنده‌ای تیزبال از کوه‌ها و دره‌ها گذشت و بر تنه‌ی درخت گردویی که از همه تناورتر بود نشست و آنجا مرز ایران و توران شد.

آری، آرش برای سربلندی ایران جان خود را از دست داد.